

Iran's financial demands from the Soviet Union during World War II (Iran's eleven tons of gold)

Shadi Hajizadeh Sadabad*

Abstract

Following the Allied invasion of Iran to finance World War II, the National Bank of Iran and the Soviet representatives signed an agreement in March 1321, under which the Soviet government pledged to reimburse Iran for the costs it received after its expiry. The war repaid Iran's debt in dollars and gold. After the end of World War II, Soviet debt to Iran amounted to eleven tons of gold that had to be paid to Iran. The present article seeks to prove by a descriptive-analytical method whether the Soviet government has been able to abide by its commitments to return the eleven tons of Iranian gold. The findings of the study indicate that the Soviet government has been delaying the repatriation of Iranian demands and has insisted on the presence of its troops on Iranian soil in addition to refusing to do so.

Keywords: Iran, Soviet Union, World War II, Eleven Tons of Gold, National Bank.

* M.A. in History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, sh.haji1372@gmail.com

Date received: 25/5/2020, Date of acceptance: 27/8/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالبات مالی ایران از شوروی در جنگ جهانی دوم (یازده تن طلای ایران)

شادی حاجی زاده سعد آباد*

چکیده

پس از حمله نیروهای متفقین به ایران، بانک ملی ایران و نمایندگان شوروی به منظور تأمین هزینه‌های جنگ جهانی دوم، در اسفند ۱۳۲۱ش. موافقت‌نامه‌ای منعقد کردند که به موجب این قرارداد، دولت شوروی متعهد شد تا در ازای هزینه‌های دریافتی از ایران، پس از پایان یافتن جنگ، بدهی ایران را در قالب دلار و طلا به ایران بازگرداند. پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، بدهی شوروی به ایران به یازده تن طلا رسید که می‌بایست به ایران می‌پرداخت. مقاله حاضر در پی آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی کند آیا دولت شوروی توانسته است به تعهدات خود مبنی بر بازگرداندن طلب یازده تن طلای ایران، پایبند بماند یا خیر. یافته‌های پژوهش گواه آن است که دولت شوروی در بازگرداندن مطالبات ایران تعلل ورزیده و علاوه بر امتناع از انجام این مهم، به حضور نیروهای نظامی خود در خاک ایران اصرار ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، شوروی، جنگ جهانی دوم، یازده تن طلا، بانک ملی.

۱. مقدمه

با شروع جنگ جهانی دوم، اصلی‌ترین منبع تهیه آذوقه شوروی یعنی اوکراین، به دست نیروهای آلمانی افتاد؛ به همین منظور دولت شوروی برای ادامه جنگ نیازمند منبعی بود که بتواند از طریق آن هزینه‌های هنگفت جنگی را مرتفع سازد. موقعیت استراتژیک ایران و

* کارشناس ارشد ایران اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، sh.haji1372@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶



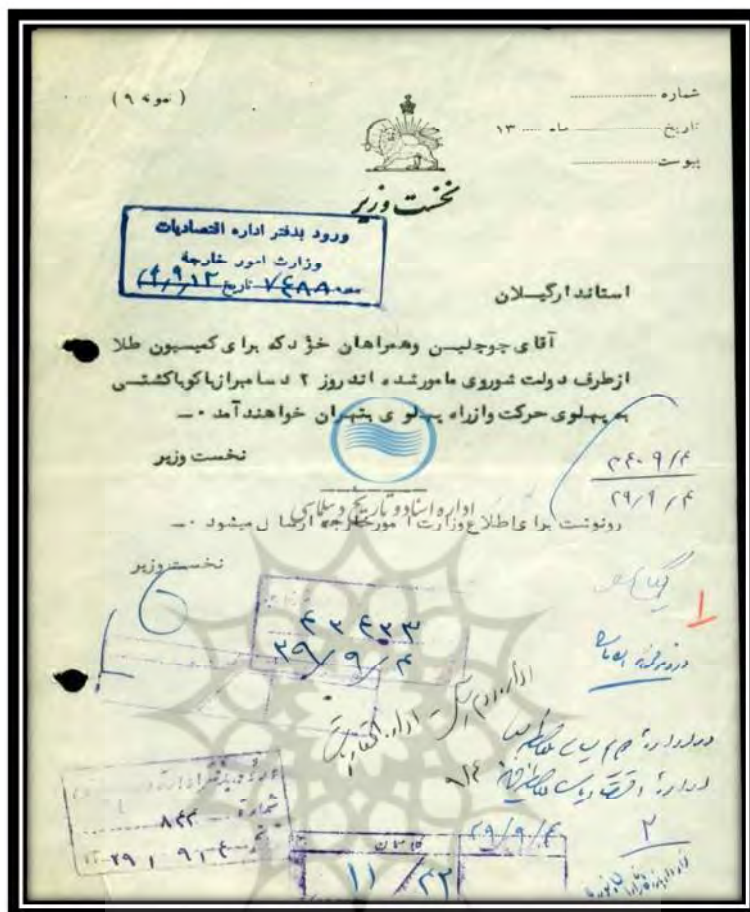
حضور نیروهای شوروی و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰ش. موجب گسترش روابط ایران با متفقین شد. به دنبال افزایش مناسبات و گسترش هزینه‌های جنگی برای شوروی، در اسفند ۱۳۲۱ش. میان ایران و شوروی موافقت‌نامه‌ای منعقد شد که به موجب آن ایران در تأمین هزینه‌های جنگی سهمیم شد و دولت شوروی متعهد شد که پس از پایان جنگ جهانی دوم، مطالبات ایران را در قالب دلار و طلا پرداخت نماید. هر چند نوشتارهایی در مورد روابط ایران و همسایه شمالی اش شوروی در دست است اما عمده این آثار به تحولات سیاسی و منازعات نظامی فی‌مابین اختصاص یافته است و به ندرت به موضوع مطالبات دلاری و یازده تن طلای ایران پرداخته‌اند. به همین منظور نگارنده سعی بر آن دارد تا بتواند تمام مطالب پراکنده را به طور منسجم‌تر در قالب مقاله حاضر تهیه نماید و خوانندگان را از دست آوردها و یافته‌های جدید آگاه سازد. از بین منابع مورد استفاده در این پژوهش می‌توان به اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع مورد استفاده یعنی اسناد وزارت امور خارجه اشاره کرد که با توجه به ارزش زمانی و مطالعاتی، اطلاعات بسیار مناسبی در اختیار نگارنده قرار داده‌اند و در این نوشتار، استفاده شده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع مورد بررسی، روزنامه ناطق خراسان به جزئیات مقدار طلا و دلار و هم‌چنین به زمان بازپس‌گیری و مکان مورد توافق ایران و شوروی اشاراتی داشته است. در بسیاری از پژوهش‌های جدید و کتاب‌های نوشته شده‌ای چون: گذشته چراغ راه آینده است و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ نوشته علیرضا ازغندی به استرداد طلاهای ایران توسط شوروی در زمان روی کار آمدن کابینه زاهدی پرداخته شده است. همان‌طور که در بخش‌های پیشین گفته شد، بانک ملی از طرفین اصلی قرارداد بود و از خلال یافته‌های پژوهش در مجله بانک ملی می‌توان به میزان دقیق دلار و طلاهای ایران و عدم پایبندی دولت شوروی پی برد. مقاله حاضر به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد اثبات کند آیا دولت شوروی توانسته است به تعهدات خود مبنی بر بازگرداندن طلب یازده تن طلای ایران، پایبند بماند یا خیر. نتایج مطالعات گواه آن است که شوروی برای پیش‌برد اهداف خود اقدام به انعقاد این موافقت‌نامه کرد تا در نخستین گام از نظر مالی بتواند عهده دار امور جنگی شود و در گام دوم به واسطه تحکیم روابط با ایران، بر نفوذ خود در خاک ایران بیفزاید.

۲. قرارداد اسفند ۱۳۲۱ش. ایران و شوروی

پس از حمله نیروهای شوروی و انگلیس به ایران در سال ۱۳۲۰ش. و به دنبال امضای قرارداد دوستی و همکاری بین ایران و متفقین، دولت ایران تعهد کرد که برای تأمین هزینه‌های مالی متفقین در ایران، مقادیری اسکناس در اختیار آن‌ها قرار دهد؛ بدین منظور، در اسفند ۱۳۲۱ش. موافقت نامه‌ای بین بانک ملی ایران و نمایندگان دولت شوروی در تهران به امضا رسید که بر اساس آن دولت شوروی تعهد کرد در ازای ریال‌های دریافتی، چهل درصد ارز تضمین شده به دلار آمریکا و شصت درصد شمش طلا به بانک ملی ایران تحویل دهد.



در جریان جنگ جهانی که ایران اشغال شد، متفقین مخارج زیادی داشتند؛ به ویژه شوروی که منبع تأمین آذوقه‌شان، یعنی اوکراین، به دست آلمانی‌ها افتاده بود و آن‌ها برای نیروهایشان در ایران و هم چنین برای مردمشان به آذوقه نیاز داشتند. متفقین برای خرید آذوقه به پول ایران احتیاج داشتند. لذا در صدد برآمدن حسابی جاری در یک بانک ایرانی افتتاح کنند. به همین دلیل، در بانک ملی دو حساب جداگانه ارزی برای دلار آمریکا و پوند انگلیس افتتاح شد تا آن‌ها ارز خود را به این حساب واریز کنند و در مقابل از ایران ریال بگیرند و آذوقه بخرند. متفقین چنین استدلال می‌کردند که این ارز پس از جنگ به کار ایران می‌آید و شوروی نیز می‌خواست حساب ارزی بر مبنای روبل باز کند، ولی دولت ایران روبل شوروی را قبول نداشت؛ چون بسیار ضعیف بود. در نهایت قرار شد شوروی که طلای زیادی داشتند (زیرا مقدار زیادی طلای خاندان تزار را مصادره و به شمش تبدیل کرده بودند) به ازای ریالی که می‌گیرند، به ایران طلا تحویل بدهند (نجمی، ۱۳۷۱: ۲۵۱). بانک دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مدت دو هفته از روزی که این موافقت‌نامه دارای اعتبار رسمی گردید، متعهد شد تا در ایستگاه راه‌آهن مرزی جلفای ایران، معادل ۱۱۱۹۶۰۷۰/۳- (یازده میلیون و یکصد و نود و شش هزار و هفتاد و سه دهم) گرم طلا، به بانک ملی ایران تحویل دهد (شعبانی نصر، ۱۳۷۶: ۲۵۰). به قرار اطلاع یازده تن طلاهای ایران در شوروی که قرار است از طرف آن دولت تحویل دولت ایران بشود به تهران حمل و در خزانه بانک ملی نگهداری خواهد شد. این طلاها ظرف دو هفته در دو نوبت پس از تصویب مقاله‌نامه رفع اختلافات ایران و شوروی در مجلسین دو کشور در جلفا تحویل مقامات دولت ایران خواهد شد. « آقای چوچلین و همراهان خود که برای کمیسیون طلا از طرف دولت شوروی مأمور شده‌اند روز ۲ دسامبر از باکو کشتی به پهلوی حرکت و از راه پهلوی به تهران خواهند آمد » (سند شماره ۱۳۲۹، کارتین ۱۱.۴، پرونده ۱۴۵-۴۲).



سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۱۴۵ - ۴۲

بانک ملی ایران در آخر سال این رقم را در دیوان محاسبات خود منظور می‌کرد و از طریق وزارت امور خارجه برای بانک دولتی مسکو می‌فرستاد و بانک مسکو وصول آن را تأیید می‌کرد. علاوه بر این، دولت ایران از دولت اتحاد جماهیر شوروی مطالبات دیگری نیز داشت که خلاصه آن چنین بود. بابت حقوق گمرکی کالاهایی که دولت شوروی به ایران وارد یا از ایران خارج کرده بود به مبلغ پانصد میلیون ریال؛ بابت فروش اسلحه و مهمات ساخته شده در کارخانجات تسلیحات ارتش، معادل پانصد میلیون ریال؛ بابت حمل شش میلیون تن وسایل نظامی از بندر شاهپور به بندر شاه، مبلغ هشت میلیون دلار بود (کلالی، ۱۳۹۲: ۳).

در زمان جنگ، بانک ملی ایران اجازه داشت در مقابل چهل درصد ارز و ۶۰ درصد طلا، ریال مورد احتیاج متفقین را تأمین و در اختیار آنان بگذارد. ۱۱ تن طلا که اکنون مقدمات تحویل آن از طرف شوروی به ایران فراهم شده از این بابت می‌باشد و تمام این طلاها جزو پشتوانه اسکناس است و تحویل آن در بازار اثری نخواهد داشت زیرا پس از تحویل در خزانه بانک ملی نگه‌داری شده و برای فروش به بازار عرضه نخواهد شد. بنابراین طلاها مانند طلاهای ایران در آمریکا و انگلستان و آفریقای جنوبی در ردیف طلاهای پشتوانه اسکناس محسوب می‌شود و این توهم که در مقابل این طلاها اسکناس جدیدی انتشار و در جریان گذارده خواهد شد بی‌اساس می‌باشد. «اکنون بانک ملی جمعا ۱۱۷ تن در داخله و خارجه طلا دارد که در بانک‌های مختلف خارجی و خزانه بانک ملی و در حدود هفت تن آن در صندوق بین‌المللی پول می‌باشد» (روزنامه ناطق خراسان، شماره ۴۶، ۱۳۳۲/۹/۲۱).

۳. عدم تحویل مطالبات ایران

پس از خاتمه جنگ دوم جهانی، بدهی روس‌ها به ایران به ۱۱ تن طلا رسید (از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵). اما آن‌ها علاوه بر این که طلب ایران را نمی‌پرداختند، از تخلیه کشور نیز امتناع داشتند (عنایت الله، ۱۳۸۲: ۱۲).

روزنامه‌ها راجع به اوضاع داخلی چنین اظهار عقیده می‌نمایند که چنانچه دولت بتواند عهدنامه بازرگانی با روسیه منعقد نماید موقعیت آن خیلی محکم‌تر خواهد شد. ولی اختلافات موجوده بین اکثریت طرفدار دولت - مخصوصاً اختلاف آن‌ها راجع به گزارش هیئت تصفیه مانع از این شده است که دولت بتواند با سرعت کارها را انجام دهد. راجع به روابط روس و ایران نخست وزیر چنین اظهار نمودند که مذاکرات جاریه راجع به سه مطلب بود. اتفاقات مرزی و اختلافات مالی و موضوع عقد قرارداد بازرگانی. راجع به مطلب اول کمیونیونی از طرفین تشکیل گردید که از امروز راجع به امور مورد اختلاف مشغول مطالعه شده امور مزبور را دوستانه حل نمایند. اما مذاکرات مربوط به طلای ایران موجوده در اتحاد جماهیر شوروی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. راجع به روابط بازرگانی هم چنین اظهار نمودند که راجع به تمام قسمت‌ها توافق نظر حاصل کرده‌ایم و قرارداد بازرگانی منتظر امضا است (سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۸-۴۲).

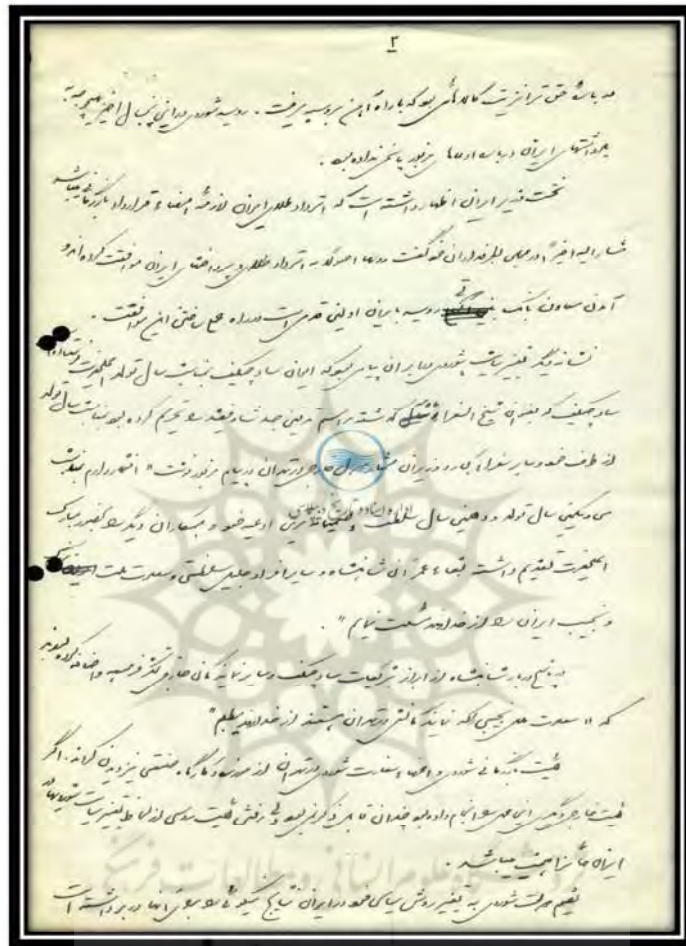


سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۸ - ۴۲

آقای رزم آرا بیانیه مفصلی در جلسه سری مجلس ایراد نموده و مذاکراتی را که در مدت سه ماهه است با نمایندگان شوروی و شرکت نفت ایران و انگلیس نموده بودند شرح دادند.

نخست وزیر ایران اظهار داشته است که استرداد طلای ایران لازمه امضای قرارداد بازرگانی می باشد. مشارالیه اخیراً در مجلس طرفداران خود گفت روس ها اصولاً به استرداد طلا و پرداخت های ایران موافقت کرده اند و آمدن معاون بانک بین الملل روسیه به ایران

اولین قدمی است در راه عملی ساختن این موافقت‌نامه (شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۹۵ - ۴۲).



سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۹۵ - ۴۲

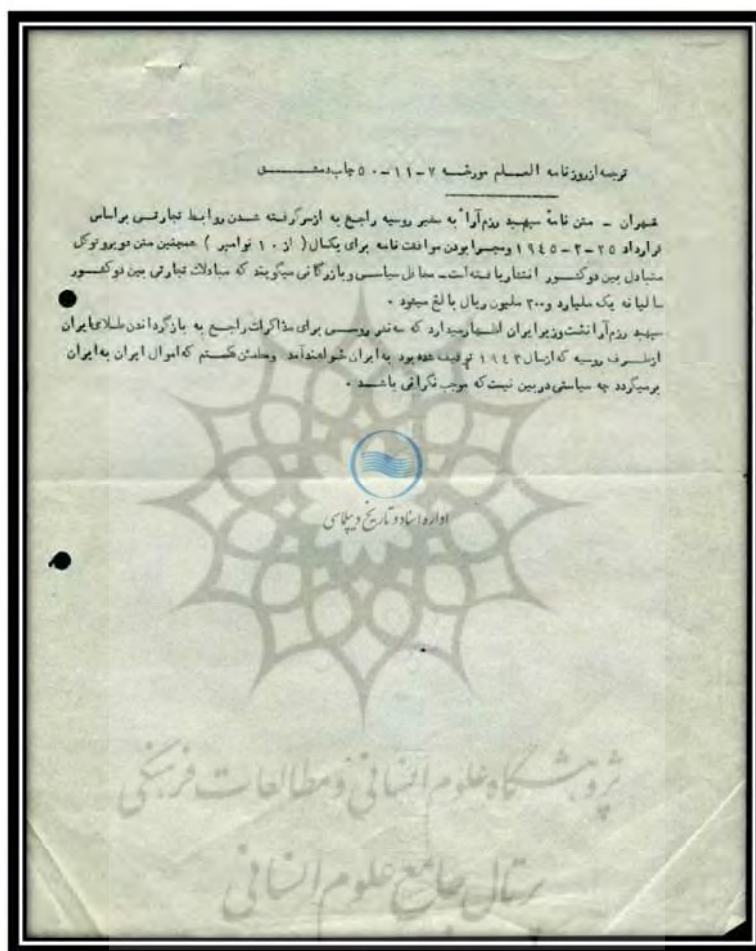
انتظار می‌رود بعد از این که مذاکرات محرمانه مربوط به عقد قرارداد بین ایران و روس هفت هفته طول کشید قریباً قرارداد مزبور به امضا برسد و به قراری که منابع موثق اظهار می‌دارند طرفین راجع به مقدار کالاهای متبادله و نرخ آن‌ها توافق نظر حاصل کرده‌اند و واگن‌های راه‌آهن شوروی به مرزهای ایران رسیده و شروع به خالی کردن نخستین کارخانه قند و شکر کرده‌اند و نمایندگان شوروی پیشنهاد نخست‌وزیر ایران را دایره بر این که

کالاهای شوروی فقط به چهار نقطه از نقاط مرزی فرستاده شود پذیرفته‌اند. ایران هم پیشنهاد روس‌ها را راجع به تشکیل کمیسیون مشترکی از نمایندگان روس و ایران برای اتخاذ تصمیم راجع به یازده تن طلای ایران و ۱۸ میلیون دلار از اموال ایران که از مدت جنگ جهانی در بانک مسکو توقیف شده است، قبول کرد. برای حل مسائل فوری مورد اختلاف هم کمیسیون مشترکی تشکیل گردیده است روس‌ها تمام سربازان مرزی ایران را که اسیر کرده بودند آزاد کرده‌اند (شماره ۱۳۲۹، کارت ۱۱.۴، پرونده ۱۰۳ - ۴۲).



سند شماره ۱۳۲۹، کارت ۱۱.۴، پرونده ۱۰۳ - ۴۲

سپهبد رزم آرا نخست وزیر ایران اظهار می‌دارد که سه نفر روسی برای مذاکرات راجع به بازگرداندن طلای ایران از طرف روسیه که از سال ۱۹۴۳ توقیف شده بود به ایران خواهند آمد و مطمئن هستیم که اموال ایران به ایران بر می‌گردد و سیاستی در بین نیست که موجب نگرانی باشد (شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۸۲ - ۴۲).

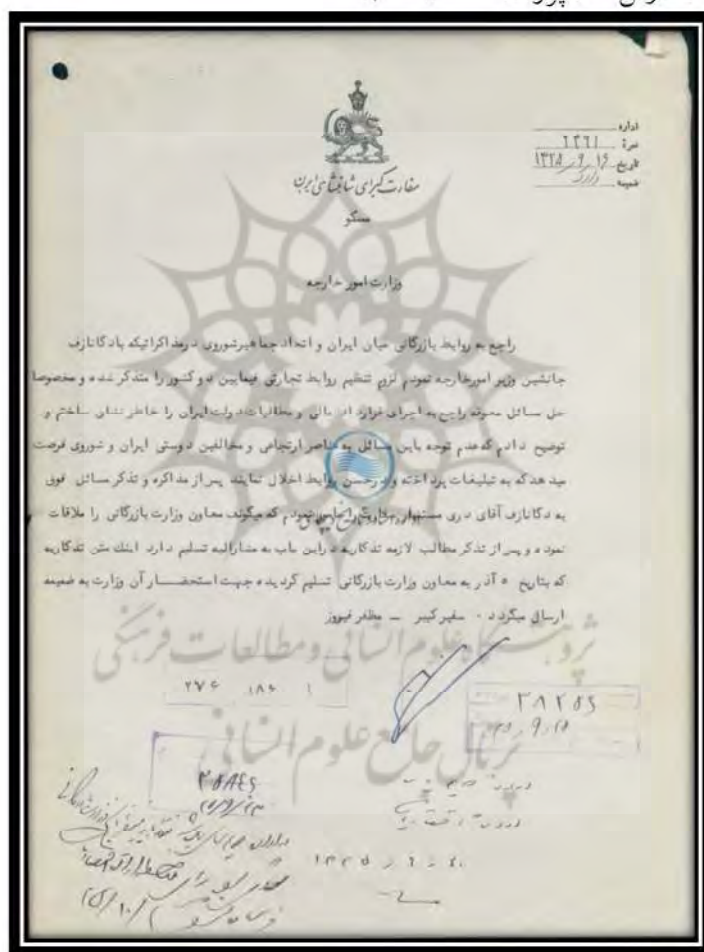


سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، ۸۲ - ۴۲

راجع به روابط بازرگانی میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی در مذاکراتی که با دگانازف جانشین وزیر امور خارجه نمودم لزوم تنظیم روابط تجارتي فیما بین دو کشور را متذکر شده و مخصوصاً حل مسائل معوقه راجع به اجرای قرارداد مالی و مطالبات دولت ایران را خاطر

مطالبات مالی ایران از شوروی در جنگ جهانی دوم ... (شادی حاجی زاده سعد آباد) ۸۳

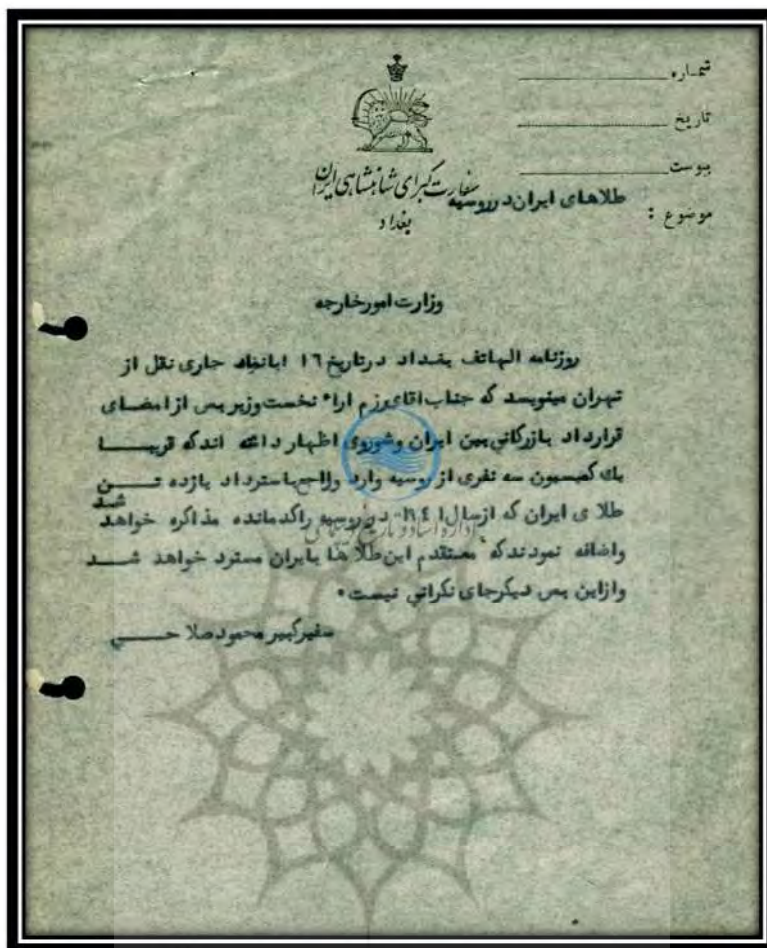
نشان ساختم و توضیح دادم که عدم توجه به این مسائل به عناصر ارتجاعی و مخالفین دوستی ایران و شوروی فرصت می دهد که به تبلیغات پرداخته و در حسن روابط اخلاص نمایند. پس از مذاکره و تذکر مسائل فوق به دگانازف آقای دری مستشار سفارت مأمور نمودم که میگویند معاون وزارت بازرگانی را ملاقات نموده و پس از تذکر مطالب لازم تذکریه در این باب به مشارالیه تسلیم دارد. اینک متن تذکریه که به تاریخ ۵ آذر به معاون وزارت بازرگانی تسلیم گردیده جهت استحضار آن وزارت به ضمیمه ارسال می گردد (شماره ۱۳۲۵، کارتن ۱۷، پرونده ۳- ۲۷۶.۵۵).



سند شماره ۱۳۲۵، کارتن ۱۷، پرونده ۳- ۲۷۶.۵۵

مذاکرات رزم آرا نخست و زیر ایران با سادچیکف، سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران درباره روابط بازرگانی، به امضای توافق‌نامه تجاری ایران و شوروی برای احیای تجارت میان دو دولت در ۱۳ آبان ۱۳۲۹ ش/ ۱۰ نوامبر ۱۹۵۰ م، انجامید که بر اساس آن، قرارداد بازرگانی ایران و شوروی که در ۶ فروردین ۱۳۱۹ ش/ ۲۶ مارس ۱۹۴۰ م، به امضا رسیده بود ولی تا این هنگام اجرا نشده بود، دوباره مورد موافقت و تأیید قرار گرفت و به روابط تیره و خطرناک ایران و شوروی پایان داد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۳۸). طبق این موافقت‌نامه، شوروی‌ها ادعای ایران را نسبت به ۱۱ تن طلای سپرده در بانک دولتی شوروی، بابت هزینه‌های ارتش سرخ در زمان جنگ در ایران را به رسمیت شناختند و حاضر به استرداد سربازان اسیر ایرانی شدند؛ در مقابل دولت ایران تعهد کرد هیئتی را برای تعیین مرزهای بین دو کشور و علامت‌گذاری سرحدات، تعیین و اعزام کند (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

روزنامه الهاتف بغداد در تاریخ ۱۶ آبان ماه جاری به نقل از تهران می‌نویسد که جناب آقای رزم‌آرا نخست وزیر پس از امضای قرارداد بازرگانی بین ایران و شوروی اظهار داشته‌اند که قریباً یک کمیسیون سه نفری از روسیه وارد و راجع به استرداد یازده تن طلای ایران که از سال ۱۹۴۱ در روسیه راکد مانده مذاکره خواهد شد و اضافه نمودند که معتقدم این طلاها به ایران مسترد خواهد شد و از این نظر دیگر جای نگرانی نیست (شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۷۹-۴۲).



سند شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۷۹-۴۲
پیشکش کاغذهای انسانی، مطالبات مالی و نفتی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. تلاش‌های مصدق

در جریان نهضت ملی کردن نفت که مصدق وارد میدان مبارزه با انگلیس (بعدها نیز آمریکا) شد، منابع نفت ایران در اختیار انگلیسی‌ها بود. آن‌ها ایران را تحریم کردند و حتی یک کشتی را که نفت ایران را می‌برد، توقیف کردند. به علاوه در دادگاه، نیز ایران را محکوم کردند و معتقد بودند که اگر کشتی حامل نفت ایران را بگیریم، کالای دزدی محسوب می‌شود. از یک سو در شرایط سخت ناشی از تحریم اقتصادی، حقوق ارتش هفت ماه عقب افتاده بود و دولت در شرایط وخیمی به سر می‌برد و از سوی دیگر مصدق، حد

اعلای آزادی را به توده‌های داده بود و رابطه با شوروی را به سطح خوبی رسانده بود و می‌خواست از آن‌ها چیزی بگیرد. از دیدگاه مصدق، حق این بود که در آن شرایط خطیر، شوروی به دولت ضعیف ایران که با دو دولت آمریکا و انگلیس پنجه در پنجه انداخته بود، کمک برساند، اما او هر چه تلاش کرد لاقلاً ۱۱ تن طلا را که حق مسلم ایران بود بگیرد، روس‌ها قبول نکردند (کلالی، ۱۳۹۲: ۳). استرداد یازده تن طلا و مطالبات فوق‌الذکر مسلماً می‌توانست دولت دکتر مصدق را از مضیقه مالی شدیدی که گرفتارش بود، نجات دهد. حتی اگر مطالبات مزبور به صورت تحویل کالاهای مورد نیاز ایران مستهلک می‌شد می‌توانست مشکلات را تا حدودی مرتفع نماید، اما با وجود درخواست‌های مکرر دکتر مصدق، این مطالبات به موقع پرداخت نشد (امیر خسروی، ۱۳۷۵: ۳۸۷). مصدق در راستای سیاست موازنه منفی خود، در بهمن ماه ۱۳۳۱ ش. هنگامی که قرارداد شیلات ۱۹۲۷ به پایان رسید، شیلات شمال را ملی کرد. اگرچه روس‌ها تقاضای تجدید قرارداد را داشتند، ولی در تیرگی محسوس روابط دو جانبه دو کشور که قبلاً نیز سرد بود، تغییری صورت نگرفت. در اواخر دوران نخست وزیری مصدق، مذاکره درباره بهبود روابط دو جانبه و توسعه بازرگانی، به خصوص تجارت پایاپای با سادچیکوف سفیر شوروی، ادامه یافت، ولی به نتیجه قطعی نرسید. مسائل اقتصادی و مالی دولت جدی بود، ولی حتی سفارت آمریکا تا شب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. اعتقاد داشت که دولت خواهد توانست تدابیری به کار برد و برای مدتی نامعلوم بحران حاد مالی را دفع کند (نجاتی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۴۴۷). شوروی‌ها با رفتار دوگانه خود و از طریق عامل خود حزب توده نه تنها از نهضت ضد استعماری ایران حمایت نکردند بلکه با ندادن ۱۱ تن طلای ایران و خیانت حزب توده، موجبات موفقیت کودتا را فراهم کردند (رحیمی و حجازی، ۱۳۹۳: ۱۲).

در اسفند ماه ۱۳۳۱ ش. با مرگ استالین، به تدریج آثار تغییر در سیاست خارجی شوروی هویدا شد و شعار همزیستی مسالمت آمیز و بهبود روابط با کشورهای همسایه از آن سوی به گوش می‌رسید. از این تاریخ به بعد و تا زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. روابط ایران و شوروی به ظاهر بهبود یافت، اما مقام‌های شوروی، برای تحویل طلاهای ایران، قدمی بر نداشتند (مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۰۴). این جمله بیان‌گر آن است که شوروی تا سال ۱۳۳۲ ش. هنوز به تعهد خود مبنی بر باز پس دادن طلاهای ایران عمل نکرده است؛ در حالی که بر اساس مفاد قرارداد مزبور، بایستی تا دو هفته پس از انعقاد این موافقت‌نامه، تعهدات خود را اجرایی می‌کرد و حالا هم که بیش از سه سال از آن تاریخ می‌گذرد باز هم

از انجام این کار چشم پوشی کرده و تعلق ورزیده است. دولت شوروی آمادگی خود را برای بررسی مطالبات ایران اعلام کرده بود و بر طبق بیانات استاندار گیلان، از طرف دولت شوروی، چوچلین و همراهانش برای تشکیل کمیسیون طلا با ایران مأمور شدند تا به ایران عزیمت کنند و در ۲۳ دسامبر/۴ آذر ۱۳۲۹ ش. از باکو با کشتی به سمت بندر پهلوی حرکت کردند تا از این طریق به تهران بروند و مسائل مربوط به طلاهای ایران را حل و فصل کنند.

در سال ۱۳۳۲ نیز راجع به انتقال ۱۱ تن طلا و ۸/۶ میلیون دلار مطالبات از اتحاد جماهیر شوروی مذاکراتی بین نمایندگان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به عمل آمد ولی تا آخر سال به نتیجه نرسید و مذاکرات ادامه دارد (مجله بانک ملی ایران، شماره ۱۴۷، سال بیست و دوم، خرداد ۱۳۳۳).

۵. روی کار آمدن دولت زاهدی

با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. دولت ملی مصدق سقوط کرد و کابینه زاهدی بر سر کار آمد. نخست وزیر مورد حمایت شاه در دوران حکومت خود سیاست سختی علیه توده‌ای‌ها اتخاذ کرد؛ گروهی از آن‌ها را اعدام و دیگران را زندانی و روزنامه‌هایشان را تعطیل کرد. در این گیر و دار، ناگهان خبر پیچید که شوروی ۱۱ تن طلا را به حکومت زاهدی تحویل داده است. در دوران محمد رضا شاه هیچ کس نفهمید قضیه از چه قرار است. بر اساس اسناد به دست آمده، دولت زاهدی در آذرماه ۱۳۳۳ ش. موافقت‌نامه ایران و شوروی راجع به حل مسائل مرزی و مالی را با شوروی در تهران به امضا رساند. طبق ماده اول این موافقت‌نامه، طرفین تعهد کردند مرز میان ایران و شوروی مطابق با دژ عباس‌آباد در قریه حصار در خاک ایران باقی بماند، اما قریه فیروزه و املاک اطراف آن به شوروی داده شود. در ماده چهار نیز، طرفین موافقت کردند تمام دعاوی مربوط به جنگ دوم جهانی را به شرح زیر حل و فصل کنند:

دولت ایران شهرستان فیروزه را رسماً به روس‌ها تحویل دهد و در مقابل، اختلافات مرزی ایران و شوروی در دو ناحیه مرزی (سرخس و مغان) به نفع ایران حل شود. به عبارت دیگر، روس‌ها حدود ۱۲۰ کیلومتر مربع از زمین‌های مورد اختلاف را که قسمتی از آن در مغان و آستارا و قسمتی دیگر در ناحیه سرخس شوروی واقع بود، به ایران داد و در عوض، شهرستان مهم و خوش آب و هوای فیروزه را که اگر به ایران بر می‌گشت یکی از

زیباترین مناطق بیلاقی خراسان می‌شد، رسماً و قانوناً به تصرف خود درآوردند (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۷۱: ۲۴۲). متن کامل قرارداد به شرح زیر می‌باشد:

راجع به حل مسائل مرزی و مالی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. اعلیحضرت شاهنشاه ایران و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. با تمایل به بسط و تحکیم مناسبات حسنه هم‌جواری موجود بین دو کشور و نظر به این که مایلند مسائل مرزی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و هم‌چنین دعاوی متقابل مالی مربوط به دوره دومین جنگ جهانی را حل و فصل نمایند. به این منظور تصمیم به انعقاد این موافقت‌نامه گرفتند و نمایندگان مختار خود را به قرار زیر تعیین کردند:

اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب آقای حمید سیاح سفیر کبیر
هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جناب آقای آناتولی
یوسفوویچ لاورنتیف سفیر کبیر و نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در
ایران.

ماده ۱: طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تمام بقیه طول آن بدون تغییر باقی می‌ماند ضمناً ناحیه مرزی واقع در ساحل راست رود ارس مقابل دژ سابق عباس‌آباد و هم‌چنین قریه حصار با قلعه زمین آن در حدود خاک ایران می‌ماند و قریه فیروزه و زمین‌های اطراف آن در حدود خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باقی می‌ماند.

ماده ۴: طرفین معظمین متعاهدین موافقت نمودند که تمام دعاوی متقابل مالی مربوط به زمان جنگ دوم جهانی را به انضمام دعاوی ناشیه از موافقت‌نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخ ۱۸ مارس ۱۹۴۳ راجع به پرداخت‌ها به طور قطعی به ترتیب زیر حل و فصل نمایند:

الف) دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مدت دو هفته در دو قسمت از روزی که این موافقت‌نامه دارای اعتبار رسمی می‌گردد و در ایستگاه راه‌آهن مرزی جلفای ایران معادل ۱۱۱۹۶۰۷۰/۳ (یازده میلیون و یکصد و نود شش هزار و هفتاد و سه دهم) گرام طلا برای استهلاك دعاوی طرف ایران ناشیه موافقت‌نامه مورخ ۱۸ مارس ۱۹۴۳ مذکور در این ماده به بانک ملی ایران تحویل می‌دهد.

ب) طرف شوروی از آغاز اعتبار قانونی این موافقت‌نامه در مدت یک‌سال معادل ۸۶۴۸۶۱۹/۷۰ (هشت میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار و ششصد و نوزده و هفت صدم) دلار آمریکایی به طوری که از موافقت‌نامه مورخ ۱۸ مارس ۱۹۴۳ فوق‌الاشعار ناشی است به وسیله تحویل کالا به ایران به بهای حد وسط جهانی و در مواعید و طبق صورت اجناسی که نسبت به آن بین وزارت بازرگانی خارجی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به وسیله نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران و وزارت اقتصاد ملی ایران باید موافقت به عمل آید استهلاک می‌کند» (شعبانی نصر، ۱۳۷۶: ۲۴۴).

پس از سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران توسط قوای متفقین، اختلاف‌های سرحدی ایران و روسیه به خصوص قریه فیروزه، تحت‌الشعاع مسایل ناشی از جنگ جهانی دوم قرار گرفت و مشغله‌های سیاسی دیگری چون تخلیه ایران از قوای روس، مسئله نفت شمال، قضیه آذربایجان و کردستان و جنبش ملی شدن نفت، مجالی برای پرداختن به مباحثی هم‌چون فیروزه، که دارای اهمیت کم‌تری نسبت به مسایل فوق بود، باقی نگذاشت. با استقرار دولت کودتا زاهدی، با طرح دعاوی ایران مبنی بر استرداد طلب یازده تن طلای ایران از شوروی، روس‌ها دوباره مسئله فیروزه را به میان آوردند. در واقع، روس‌ها با فرصت‌طلبی ناشی از شرایط سیاسی و اقتصادی، دولت ایران را در تنگنا قرار داده و پرداخت طلب ایران را منوط به چشم‌پوشی ایران از فیروزه عنوان کردند. پس از مذاکرات نه چندان طولانی « موافقت‌نامه مسایل مرزی و مالی » بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۳۳ / ۲ دسامبر ۱۹۵۴ به تصویب رسید. در قرارداد جدید، فصول منعقد در عهدنامه ۱۹۲۱ در باب فیروزه و نقاط مرزی ملغی شد و مناطق سرحدی بر اساس قرارداد ۱۳۱۰ ق. / ۱۸۹۳ م. تعیین و تحدید گردید. بنابراین، ایران بر اساس بند ب ماده دوم قرارداد جدید، حاکمیت روس‌ها بر فیروزه را به این شکل به رسمیت شناخت « خط مرز قریه فیروزه و اراضی اطراف آن را در حدود خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باقی گذارده است. ». در ازای واگذاری فیروزه و برخی نقاط سرحدی کم‌اهمیت‌تر در مناطق شرق دریای مازندران، بر اساس بند الف ماده چهارم دولت شوروی متعهد گردید ظرف مدت ۲ هفته پس از امضای قرارداد، بدهی ۱۱ تن طلای خود را به بانک ملی ایران تحویل دهند. بنابراین، پس از هفت دهه کش و قوس بر سر فیروزه، در نهایت منطقه بیلاقی و استراتژیک فیروزه برای همیشه از ایران منتزع گردید (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۱۱۶).

فیروزه از نظر منابع آبی و موقعیت نظامی منطقه‌ای مهم بود که در دامنه‌های شمالی کوه

کوپه داغ امروزی قرار دارد و تسلط ایران بر فیروزه به معنای احاطه بر آن کوه‌ها بود. امروزه این قریه در فاصله ۱۲ کیلومتری از خاک ایران قرار دارد و کوه کوپه داغ در خاک ترکمنستان واقع شده است که حدود ۵۰ کیلومتر با عشق آباد، پایتخت ترکمنستان فاصله دارد.

در سال مورد گزارش ضمن مذاکراتی که بین نمایندگان ایران و اتحاد جماهیر شوروی درباره مسائل مرزی و غیره به عمل آمد مسئله ۱۱ تن طلا و ۸/۶ میلیون دلار طلب ایران نیز مورد بحث قرار گرفت و استرداد آن در قرارداد منعقد فیما بین که در اسفند ماه به تصویب مجلسین رسید تصریح گردیده و طبق موافقت‌نامه حاصله قرار است مطالبات ایران قریباً مسترد شود (مجله بانک ملی ایران، ۱۳۳۴: شماره ۱۵۸ و ۱۵۹).

با وجود تصریح فصل سوم عهدنامه ۱۹۲۱م، مبنی بر استرداد فیروزه، روس‌ها از اجرای این بند تا پایان حکومت پهلوی اول طفره رفتند. در نهایت، در عهدنامه ۱۳۳۳ش. دولت زاهدی در ازای دریافت مطالبات ۱۱ تن طلا از روس‌ها، از ادعای حاکمیت بر فیروزه چشم‌پوشی نمود و سرانجام، قضیه بدهی شوروی در زمان زاهدی به صورت بده بستان حل شد. به گفته مکی، دلارها را ندادند و به عوض طلاها هم بخش «فیروزه» به آنها واگذار شد (سیف، ۱۳۷۸: ۸). عدم تحویل ۱۱ تن طلای قابل پرداخت به ایران در زمان دکتر مصدق و در مقابل، تحویل آن به کابینه کودتا (زاهدی)، در واقع به نوعی به سقوط دکتر مصدق کمک کرد و از دولت کودتا حمایت نمود (زرگر، ۱۳۸۴: ۱۳). به رغم نیاز مصدق به ارز خارجی که عملاً می‌توانست حکومت وی را از تنگنای مالی شدیدی که گرفتارش بود برهاند، این مطالبات را به موقع در اختیار او قرار ندادند و دولت شوروی پس از تعلل و تأخیر فراوان در استرداد طلاهای ایران، سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، به طور کامل در اختیار کابینه زاهدی قرار داد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۸۰). فرج‌الله میزانی در کتاب افسانه طلاهای ایران می‌گوید که: «محافل ضد کمونیستی چندین سال است که یک نفس فریاد می‌زنند: اتحاد شوروی طلاهای ایران را به مصدق پس نداد؛ نگاه داشت و به دولت کودتایی زاهدی داد» (میزانی، ۱۳۹۲: ۳).

۶. نتیجه‌گیری

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م. شعله‌های آن به بسیاری از کشورها و به ویژه ایران کشانده شد. افزایش هزینه‌های مالی جنگ و نفوذ بیش‌تر، از مهم‌ترین دلایل حضور

متفقین در ایران به شمار می‌رود. در گام نخست، شوروی برای مرتفع کردن مشکلات مالی به منظور مقابله بهتر با نیروهای متحدین، با ایران وارد رابطه شد و در اسفند ماه ۱۳۲۱ش. موافقت‌نامه‌ای بین طرفین منعقد شد و شوروی متعهد گشت تا پس از پایان یافتن جنگ، مطالبات مالی ایران را در قالب دلار و طلا بازگرداند. باید توجه داشت که پایبندی به این تعهد از سوی شوروی کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد چرا که به عنوان پیروز میدان نبرد شناخته شد و همین امر موجب قدرت‌گیری هر چه بیشتر و افزایش تمایلات سلطه‌جویانه بر کشورهای ضعیف را تشدید می‌کرد. با در نظر گرفتن این امر می‌توان به واقعیت نزدیکی بیش‌تری پیدا کرد زیرا حضور نظامی نیروهای شوروی در ایران با مسئله نفت و بحران آذربایجان و کردستان رابطه مستقیمی داشت. شوروی نمی‌توانست از کنار این امتیازات ارزشمند، به سادگی عبور کند. پیمان مالی و بازگرداندن مطالبات مالی ایران در قالب دلار و یازده تن طلا، از این قاعده مستثنی نبود. پس از پایان جنگ، طبق توافقات انجام شده، شوروی در انجام به این کار تعلل ورزید و به بهانه‌هایی گوناگون از انجام این کار امتناع کرد. سرانجام با روی کار آمدن زاهدی به عنوان نخست‌وزیر ایران و امضای توافق‌نامه‌ای دیگر، یازده تن طلای ایران در ازای واگذاری قریه فیروزه به شوروی، به ایران داده شد. در مورد بازگرداندن و چگونگی آن، مطالب زیادی وجود ندارد اما اکثر منابع بر این باورند که یازده تن طلای ایران در زمان حکومت مصدق به دلیل سیاست موازنه منفی و عدم اعطای امتیازات نفتی به کشورهای بیگانه و تلاش برای ملی کردن نفت، به ایران داده نشد و با روی کار آمدن کابینه زاهدی، این مهم به انجام رسید.

کتاب‌نامه

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، تهران: انتشارات سمت.

امیر خسروی، بابک (۱۳۷۵)، *نظری از درون به نقش حزب توده ایران*، تهران: اطلاعات.

پژوهش گروهی جامی (۱۳۷۱)، *گذشته چراغ راه آینده است*، تهران: نیلوفر.

رحیمی، حسن و سید محمد کاظم حجازی (۱۳۹۳)، *مطالعه تطبیقی ظهور و سقوط محمد مصدق و محمد مرسی در انقلاب مصر و نهضت ملی نفت در ایران*، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۴.

زرگر، افشین (۱۳۸۴)، *تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه*، راهبرد، شماره ۳۶.

- سیف، احمد (۱۳۷۸)، مورخ کم حافظه و بی حافظگی تاریخی ما، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۳۹ و ۱۴۰.
- شعبانی نصر، فریبا (۱۳۷۶)، اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، جلد هشتم (قسمت اول و دوم)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عنایت الله، رضا (۱۳۸۲)، هم سویی شوروی با انگلستان در مخالفت با نهضت ملی ایران، فصل نامه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۶.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۷)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کلالی، نرگس (۱۳۹۲)، یازده تن طلای ایران، رشد آموزش تاریخ، بهار، شماره ۵۰.
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۶۹)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر پیکان.
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۷۷)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر پیکان.
- میزانی، فرج الله (۱۳۹۲)، افسانه طلاهای ایران، تهران: چاوشان نوزایی کبیر.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، مصداق، سال های مبارزه و مقاومت، جلد اول، تهران: رسا.
- نجمی علوی (۱۳۷۱)، ما هم در این خانه حقی داریم: خاطرات نجمی علوی، تهران: اختران.
- وحید مازندرانی، غلامعلی (۱۳۴۹)، مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر دولت شاهنشاهی ایران تا سال ۱۳۴۹، جلد اول، تهران: وزارت امور خارجه.
- مجله بانک ملی ایران، شماره ۱۴۷، سال بیست و دوم، خرداد ۱۳۳۳. شماره ۱۵۸ و ۱۵۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۳۴.
- روزنامه ناطق خراسان، شماره ۴۶، ۱۳۳۲/۹/۲۱.
- اسناد وزارت امور خارجه، شماره ۱۳۲۵، کارتن ۱۷، پرونده ۳-۲۷۶.۵۵؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۸-۴۲؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۷۹-۴۲؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۸۲-۴۲؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۹۵-۴۲؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۱۰۳-۴۲؛ شماره ۱۳۲۹، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۱۴۵-۴۲؛ شماره ۱۳۳۳، کارتن ۱۱.۴، پرونده ۵۰-۶۰؛